

یکسان سازی / استاندارد سازی

نظرسنجی

سهراب فرسیو

[1] یکسان سازی / استاندارد سازی خط فارسی و بدبختی ویراستاری در حال حاضر چون یکسان سازی واحدهای وزن و طول و غیره نتیجه داد، عشق به این کار (یکی از شش اصل وابسته به هم در تمدن صنعتی- رک. "موج سوم"، ۱۹۸۰، اثر آلون تافلر- آمریکایی دُبش، رئیس و همه کاره برنامه های تبلیغاتی جنگ عراق- که کتابش به فارسی هم ترجمه شده) از صد سال پیش یقه ی برخی استادان زبان و ادب فارسی (نظیر استاد بهمنیار و استاد مقربی) را گرفت و متعاقب آنان ادیب وازده ها یورش آوردند؛ این شد که الان هست. (کار به جایی کشید که "بانک ملی" کتاب دستورالعمل درست نویسی- رسم الخط- چاپ کرد!) تفرقه به معنی مطلق کلمه. اکنون باید پذیرای نظر یک گروه باشی و بینی طبق فرمایش "گریبانگیر" را باید این طور بنویسی یا این طور: "گریبان گیر". که اکنون اصل به جدانویسی است. جدانویسی بد نیست، خواندن بسیاری کلمات ترکیبی را آسان می کند؛ هر چند رعایت اقتصاد در کاغذ فدا می شود- با این حال می ارزد- لیک اگر جدا بنویسی و حروفچین (تایپست) ناشی یا بی دقت باشد و رعایت نیم فاصله (نیم اسپیس) نکند، "گریبان" در انتهای سطر بالایی می ماند و گیر به سطر بعد می رود- افتضاح!

باقی مانده ی استاندار ناپذیری اکنون تنها در خط فارسی باقی است. ان شاء الله تعالی هرگز استاندارد نخواهد پذیرفت! (امیدوارم، زیرا چون وزن و طول و حجم نیست که به کار با بقیه ی دنیا آید، هیچ ربطی به هیچ طایفه ای در جهان جز خودمان ندارد) و چه خوب هم هست که چنین است؛ استاندارد بپذیرد، چیزی خواهد شد نزدیک به تعویض خط و دشوارتر شدن خواندن متون قدیمی برای فارسی زبان های بعد از ما. حدود صد سال است انواع استادان مجذوب و فرنگستان قدیم و جدید و نیز ادیب وازده ها هم وغم خود را صرف استاندارد کردن خط کردند و نشد! و نخواهد شد! استاندارد ناپذیری خط فارسی خاصیت ها دارد که اگر خط لاتین داشت، اکنون حسرت و غصه ی آن را می خوردیم. به خصوص در نوشتن با قلم که می شود خط فارسی را کشید یا جمع و جور کرد، برای تنظیم با انتهای سطر یا انتهای کاغذ.

در این متن رعایت همه ی آنچه معقول فرمایش شده، شده، نامعقولات، کنار گذاشته شد؛ از جمله تایپ (حروفچینی) "به" حرف اضافه با یک اسپیس فاصله و "به" قید ساز با نیم اسپیس. ابد!!! تمام "به" ها با نیم اسپیس تایپ شد تا "به" در سطر بالا نماند و واژه به سطر پایین برود. (نود درصد "به" ها حرف اضافه است) برای خواننده چه فرق می کند "به" از کدام نوع است؟ به چه دلیل باید به این مهملات من در آوردی گردن گذاشت- حال می خواهد هر که فرمایش کرده باشد.

از کمبودها- بلکه بدبختی های ما- یکی همین که در این مملکت ویراستار به معنی واقعی، به آن معنی که در

دنیای پیشرفته هست - نداریم. ویراستاران فرنگی به تک تک لغات و اصطلاحات به کار رفته کار دارند تا حذف بندها و فصل‌ها از کتاب، حتی نام برای کتاب انتخاب می‌کنند. از باب یادآوری عرض می‌کنم که معروف است نام‌های آجق و جق انتخابی "تنسی ویلیامز" برای دو کتاب: "گره روی شیروانی داغ" و "توبوسی به نام هوس" را ویراستار پیشنهاد داد و سبب فروش کتاب‌ها و معروفیت نویسنده شد. حال آنکه تنها هنر ویراستاران ما رسیدگی به رسم الخط است؛ مطلقاً به هیچ چیز یک نوشته کار ندارند و صفحه را با خط قرمز سیاه می‌کنند که: «هیچ چیز B هیچ چیز!» (و دیگری البته برعکس، روی آن یکی خط می‌کشد).

خط فارسی، خط خوبی است. با گذاشتن علامات سجاوندی (زیر و زبر) می‌توان نودونه درصد واژه‌های به کار رفته در فارسی را درست خواند. وجود املائی تاریخی - نظیر "خواهر" که خط قادر به نشان دادن تلفظ امروزی کلمه نیست، عیب است؛ لیک کدام خط را بی‌عیب دیده‌اید؟ خط انگلیسی و فرانسوی از ما بدتر. خط نزدیک به واقعیت خط آلمانی است؛ از بقیه بهتر - که آن هم گرفتار ترکیب و دراز کردن کلمات است؛ شبیه به آنچه زمانی راننده‌های تاکسی تهران برچسب " (label) منمشتعلعشقلعشعلیمچهکنم " [من مشتعل عشق علیم (علی‌ام) چه کنم] می‌خریدند و جلو دید مسافر قرار می‌دادند.

خلاصه آنکه، تا بدانجا رسید دانش من که بدانم خطوط قدیمی عالم، همه، عیبناک است. تعویض خط نیز زهر هلاهل - اگر ترک‌ها و تاجیک‌ها از آن خیر دیدند، ما نیز می‌بینیم - مردود است! باید با همین خط خوب ساخت! بدبختی، انگولک بیش از حد خط فارسی است؛ نتیجه را در نوشته‌های موجود در اینترنت (وبسایت‌ها، اظهارنظرها و پیشنهادها - comments and suggestions - و غیره) ببینید. امروزه آنچه در اینترنت نوشته و خوانده می‌شود، بارها بیشتر از نوشتن و خواندن به صورت مکتوب است. استادان و رجلا می‌زنند "به" را بچسبان، بچسبان؛ مردم آن را به صورت "ب" می‌نویسند و "که" را به صورت "ک". بی‌سوادی جای خود دارد. دیده‌ام برخی "به" اول مضارع التزامی و امر را جدا نوشته‌اند: به جای بخور و بخواب، نوشته‌اند به‌خور و به‌خواب.

استادان باید این و نظایر آن را درست کنند! حقیر سعی کرد متن این رمان را به ساده‌ترین شکل ممکن تایپ کند تا خواندن آن (لااقل در زمانه‌ی ما) آسان باشد؛ در نتیجه به قوانین یکدست کردن گردن نگذاشت. حتی همین کلمه‌ی "یکدست" در جایی سر هم و در جایی جدا نوشته شد - بسته به لغات پس و پیش - از این بابت از دوستاران تمدن پشت سر گذاشته شده‌ی صنعتی و نیز ادبای‌وازده امید عفو دارد.